

کیفیت زندگی فرهنگی و اجتماعی در شهرهای ایران

*نقیسه مرصوسی^۱، رحمت اله فرهودی^۲، سید علی‌رضا لاجوردی^۳

۱. دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور

۲. استادیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

۳. دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه پیام نور،

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۹/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۲۵

The cultural and social quality of life in Iran's cities

*Nafiseh Marsousi¹, Ramat Allah Farhudi², Seyed Ali Reza Lajevardi³

1. Associate Professor, Department of Geography, University of Payame -Noor, Iran,

2. Assistant Professor, Faculty of Geography, University of Tehran, Iran

3. PhD Student in Geography and Urban Planning, University of Payame -Noor, Iran

Received: (03/12/2014)

Accepted: (16/03/2015)

Abstract

The quality of life is a new concept, which is used in scientific literatures. In recent years, researchers have done many studies about this concept. The purpose of this work is to study the cultural-social quality of life in Iran cities. The method is descriptive. The method of data analysis is qualitative and quantitative. The results show that the quality of life in the studied cities of Iran is different. It seems that growth pole, core periphery, political economy, government and urbanization, environmental determinism and spatial diffusion theories can analyze the reasons of difference in the quality of life Iran cities.

Keywords

Quality of life, Urban quality of life, Cultural and social index, Nationwide centers, Iran.

چکیده

کیفیت زندگی از مفاهیم جدیدی است که در ادبیات علمی استفاده می‌شود. در سال‌های اخیر مطالعات بسیاری در مورد این مفهوم توسط محققان انجام شده‌است. هدف این تحقیق مطالعه کیفیت زندگی در شهرهای ایران است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و شیوه تجزیه و تحلیل اطلاعات کمی و کیفی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که کیفیت زندگی در شهرهای مطالعه شده متفاوت است. به نظر می‌رسد دلیل تفاوت کیفیت زندگی در میان شهرهای مورد مطالعه را بتوان در غالب نظریه‌های قطب رشد، مرکز پیرامون، اقتصاد سیاسی، دولت و شهرنشینی جبرگرای محیطی و پخش فضایی تحلیل نمود.

واژه‌های کلیدی

کیفیت زندگی، کیفیت زندگی شهری، شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی، مراکز استان‌ها، ایران.

مقدمه

مولفه‌های کیفیت زندگی در این ایالت شاخص‌های اجتماعی (کودکان تحت پوشش انجمن حمایت از کودکان و فهرست‌های انتظار متقاضیان مسکن دولتی و...)، بهداشتی (نوزادان دارای وزن کم هنگام تولد)، اقتصادی (شمار بیکاران، شاغلان و ورشکسته‌ها و...) و زیست محیطی (تعداد ساعاتی که کیفیت هوا مناسب نیست، پس مانده‌های آلاینده محیط زیست و ...) می‌باشند (Shookner, 1997).

ریکونا^۷ (۲۰۰۳)، در مطالعه خود که روی سرمایه اجتماعی، رضایت و کیفیت زندگی در محیط کار انجام شده نشان می‌دهد که با افزایش سرمایه‌های اجتماعی میزان رضایت و کیفیت زندگی در محیط کار افزایش می‌یابد. به نظر وی سرمایه اجتماعی یک سازه پیش‌بینی مناسب، برای کیفیت زندگی در محیط کار و رضایت شغلی است. در ادامه وی متذکر می‌شود که ارتباط متعامل و متقابل بین رضایت شغلی و کیفیت زندگی در محل کار می‌تواند به عنوان شاخص‌های سرمایه‌های اجتماعی تلقی شوند (Requena, 2003: 331-360).

همایش اسکاپ^۸ (۱۹۹۸)، به بررسی کیفیت زندگی پرداخته است. در این همایش کیفیت زندگی معادل با ریشه کنی فقر و بهبود استانداردهای زندگی دانسته شده است. همچنین در یک چارچوب تحلیل سیستمی کیفیت زندگی به عنوان یک رهیافت، بر توانمندی افراد برای ارتقای قابلیت‌هایشان در رفع محدودیت، جهت دستیابی به اهداف سیستماتیک تعریف گردیده است. در این رویکرد در واقع انسان، محور توسعه قرار می‌گیرد (Eskape:1998).

توحید الرحمان و همکارانش (۲۰۰۳)، در مطالعه خود تلاش نموده‌اند تا تحلیلی جامع از روابط میان عوامل تعیین کننده کیفیت زندگی برای برنامه‌ریزی ارائه نمایند. این مطالعه با اثبات نارسایی شاخص سرانه تولید ناخالص داخلی برای ارزیابی و مقایسه کیفیت زندگی آغاز می‌شود. آن‌ها بر این باورند که کیفیت زندگی را نمی‌توان به طور مستقیم سنجید. از این رو در کار خود بر تحلیل داده‌های ثانویه تمرکز دارند و داده‌های مورد نیاز برای مقایسه کشورهای مورد مطالعه را از گزارش برنامه توسعه سازمان ملل متحد و بانک جهانی گردآوری می‌کنند. اینان عوامل موثر بر کیفیت زندگی را بهداشت، اشتغال، بهره‌وری، بهزیستی مادی، احساس تعلق به جماعت محلی، امنیت شخصی، کیفیت محیطی، بهزیستی روانی و روابط خانوادگی و دوستانه می‌دانند. این پژوهشگران، پس از معرفی

با مطالعه در نظریات و مکتب‌های جدید که در پژوهش‌های کاربردی و بنیادی مرتبط با مطالعات شهری انجام شده‌است، چنین استنباط می‌شود که یکی از نظریاتی که تاثیر زیادی در روند تحولات و مکتب‌های مرتبط با مطالعات شهری گذاشته نظریات فرهنگی- اجتماعی و کیفی توسعه می‌باشد که در غالب مفاهیمی همچون سبک زندگی، رضایتمندی از زندگی، سرمایه‌های اجتماعی، ارضای نیازهای اساسی و کیفیت زندگی^۱ ارائه شده است.

اهمیت این مفاهیم مخصوصاً مفهوم کیفیت زندگی تا آنجا است که یکی از موضوعات اساسی مورد توجه در سمینارها و کنگره‌های بین المللی مهم همانند سمینار توسعه پایدار شهری در ریودژانیرو برزیل، سمینار توسعه اجتماعی کپنهاگ و اجلاس اسکان بشر در استانبول و ... بهبود کیفیت زندگی مخصوصاً بهبود کیفیت زندگی در شهرها بوده است.

علاوه بر برگزاری سمینارها در زمینه کیفیت زندگی و کیفیت زندگی شهری^۲ بسیاری از محققان نیز در کتب و مقالات خود کلید واژه کیفیت زندگی و کیفیت زندگی شهری را مورد بررسی و کنکاش قرار داده‌اند. به عنوان نمونه ولکوک^۳ و همکارانش (۱۹۹۹)، در کتاب سرمایه‌های اجتماعی نظریه‌های مرتبط با کیفیت زندگی را ارائه نموده و در ادامه به بررسی راهکارهای افزایش کیفیت زندگی در شهرها و دیگر مناطق پرداخته‌اند (Woolcock, 1999: 225-242).

از دیگر پژوهش‌های انجام شده در زمینه کیفیت زندگی می‌توان به مطالعات واکر^۴ و ویگ فیلد^۵ (۲۰۰۳)، اشاره نمود. در این تحقیق محققان عناصر و شاخص‌های موثر در افزایش کیفیت زندگی شهری را مورد بررسی قرار داده‌اند (Walker & Wigfield, 2003: 15).

شوکر در انتاریوی^۶ کانادا (۱۹۹۷)، مطالعه‌ای در زمینه کیفیت زندگی انجام داده است. در این مطالعه شاخص‌های کیفیت زندگی به عنوان استراتژی توسعه محلی و ابزاری برای بررسی مستمر شرایط زندگی و کار ساکنان انتاریو مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که مهم‌ترین

1. Quality of life
2. Quality of urban life
3. Woolcock
4. Walker
5. Wigfield
6. Ontario

7. Requena

8. Eskape

می‌باشد. از نظر زمانی کیفیت زندگی در محدوده زمانی ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ مورد بررسی قرار گرفته است. شاخص‌های مورد مطالعه تحقیق ۱۲ شاخص می‌باشد که در جدول ۱، نمایش داده شده است.

جدول ۱. ناگرهای انتخاب شده تحقیق

| نام شاخص | نام شاخص |
|---|---|
| -نسبت زنان صاحب فرزند به کل زنان متاهل، | -نسبت طلاق به کل ازدواج‌ها ؛ |
| - نسبت زنان ازدواج کرده به کل زنان جمعیت در سن ازدواج ؛ | -نسبت جمعیت ازدواج کرده به جمعیت در سن ازدواج ؛ |
| - نسبت جمعیت ازدواج کرده زن به جمعیت زن در سن ازدواج ؛ | - نسبت زنان یکبار ازدواج کرده به کل زنان ؛ |
| - نسبت دانشجویان به کل جمعیت مردان ازدواج کرده ؛ | - نسبت طلاق مردان به کل مردان ازدواج کرده ؛ |
| - نسبت دانشجویان زن به کل جمعیت زن ؛ | - نسبت طلاق زنان به کل زنان ازدواج کرده ؛ |

محدوده مورد مطالعه تحقیق کلیه مراکز استان‌های ایران در سال ۱۳۸۵، می‌باشند. این شهرها از لحاظ دوره‌ای که به مرکزیت استان رسیده‌اند به هفت طبقه زیر تقسیم شده‌اند.

۱. شهرهایی که قبل از ۱۳۲۰، مرکز استان بوده‌اند (دوره رضاخان)، در این دوره ده شهر ارومیه، تبریز، تهران، اصفهان، اهواز، رشت، شیراز، کرمان، کرمانشاه و مشهد مراکز استان‌های ایران بوده‌اند.
۲. مراکز استانی که از سال ۱۳۳۲-۱۳۲۰ تشکیل شده‌اند (قبل از کودتای ۲۸ مرداد)، در این دوره شهر زاهدان به مرکزیت استان رسیده است.
۳. مراکز استانی که از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲ تشکیل شده‌اند (بعد از کودتای ۲۸ مرداد و قبل از اصلاحات ارضی)، در این دوره سه شهر سنج، ساری و بندر عباس به مرکزیت استان رسیده‌اند.
۴. مراکز استانی که از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ تشکیل شده‌اند (بعد از اصلاحات ارضی و قبل از انقلاب)، در این دوره ۱۰ شهر اراک، ایلام، بوشهر، خرم‌آباد، زنجان، سمنان، شهرکرد، همدان، یاسوج و یزد به مرکزیت استان رسیده‌اند.
۵. مراکز استانی که از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ تشکیل شده‌اند (دوره انقلاب و جنگ و عدم وجود برنامه مصوب در کشور)، در این دوره هیچ مرکز استانی تاسیس نشده است.
۶. مراکز استانی که از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ تشکیل شده‌اند (دوره دولت سازندگی)، در این دوره شهرهای قم و گرگان

شاخص‌های کیفیت فیزیکی زندگی، اینان شاخص‌های اجتماعی، نیازهای اساسی و توسعه انسانی، ۴۳ کشور جهان را بر اساس ۲۶ شاخص در قالب هشت بعد مورد مقایسه قرار داده‌اند (Rahmanet al, 2003: 30-31).

مرصوسی و همکاران (۲۰۱۳)، در مقاله‌ای با عنوان "مطالعه تطبیقی کیفیت زندگی فرهنگی در شهرهای ایران از منظر توسعه پایدار" از ۱۲ شاخص برای بررسی کیفیت زندگی در شهرهای ایران استفاده نموده‌اند. نتایج این مقاله نشان می‌دهد شهرهای ایران دارای تفاوت‌های زیادی از لحاظ شاخص‌های فرهنگی کیفیت زندگی می‌باشند. تفاوت این پژوهش با مقاله حاضر در برخی از تکنیک‌ها و دوره‌های مطالعه می‌باشد (Marsousi et al, 2013:69-95).

اسماعیل علی اکبری و مهدی امینی (۲۰۱۰)، مطالعه‌ای با عنوان "کیفیت زندگی شهری در ایران" را انجام داده‌اند. محققان در این مطالعه بیان می‌نمایند کیفیت زندگی شهری در ایران به شدت از شهری شدن جامعه متأثر است. شهرنشینی کمی، سهم و سرانه بسیاری از شاخص‌ها را پایین آورده، تغییرات مثبت آن را کنترل نموده و از این طریق بر جنبه‌های اجتماعی شهرنشینی تأثیر جدی گذاشته است. در چنین شرایطی مطالعات ارزیابی کیفیت زندگی شهری بایستی به عنوان یک ضرورت در کنار مطالعات کمی و کالبدی شهرها در برنامه‌های توسعه شهرها در سطح ملی و محلی مورد توجه قرار گیرد. ظرفیت و سرعت شهرنشینی در ایران همواره باید با بررسی اثرات آن بر کیفیت زندگی شهری بررسی شود (Aliakari & Amini, 2010:121-148).

واکاوی این مطالعات و سایر پژوهش‌های انجام شده در زمینه کیفیت زندگی نشان می‌دهد که بررسی ابعاد فرهنگی و اجتماعی بخش بزرگی از مطالعات کیفیت زندگی را تشکیل می‌دهد. به گونه‌ای که می‌توان گفت اهمیت ابعاد فرهنگی و اجتماعی در بسیاری از مطالعات یاد شده از ابعاد اقتصادی و کالبدی بیش‌تر می‌باشد. بنا به اهمیت و نقشی که ابعاد فرهنگی و اجتماعی در کیفیت زندگی دارند این مطالعه به بررسی ابعاد فرهنگی و اجتماعی کیفیت زندگی پرداخته و سعی نموده به سوال‌های زیر پاسخ دهد:

۱. ارتباط میان زمان تبدیل شهرها به مرکز استان و کیفیت زندگی چگونه است؟
۲. آیا با گذر زمان وضعیت کیفیت زندگی در شهرهای مرکز استان ایران روند تعادل می‌گیرد؟

روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات اسنادی است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات کیفی و کمی

درجه متصل به خط ستون فقرات است. در پایان هر یک از این ساقه‌ها علل مساله نام برده می‌شود که می‌توان از طریق طوفان فکری به آن پرداخت. در صورت لزوم می‌توان ساقه‌های اضافی به آن افزود. برای تحلیل بیش‌تر هر علت می‌توان به هر ساقه شاخه‌هایی را افزود. عللی که دارای حداقل پیچیدگی هستند باید با کم‌ترین فاصله نسبت به سر ماهی و عللی که دارای بیش‌ترین پیچیدگی هستند در قسمت دم ماهی و علت‌هایی که بینابین هستند به صورت یک زنجیره پیوسته و از کم‌ترین پیچیدگی به بالاترین پیچیدگی از سر ماهی تا دم ماهی نوشته می‌شوند (Higgins, 2009:45-50).

۳. تکنیک ضریب آنتروپی

برای بررسی میزان بی‌نظمی شاخص‌ها از ضریب آنتروپی استفاده گردیده است. ساختار کلی این تکنیک در فرمول ۲، نشان داده شده است.

(۲)

$$H = -k \sum p_i \ln p_i$$

$$k = \frac{1}{\ln m}$$

H: آنتروپی؛

P_i: فراوانی نسبی؛lnP_i: لگاریتم نپری فراوانی نسبی؛

m: تعداد گزینه‌ها

اگر آنتروپی به طرف کوچک شدن میل کند حکایت از تمرکز بیش‌تر و یا افزایش تمرکز یا عدم تعادل در شاخص‌ها دارد و اگر آنتروپی به سمت بزرگ شدن میل کند حکایت از توزیع متعادل‌تر می‌دهد (Farhoudi, 2013).

مبانی نظری

واژه کیفیت در لاتین به معنی چیزی و چه و به مفهوم چگونگی آمده و quality و qol از نظر واژه به معنی چگونگی زندگی است و در برگزیده تفاوت‌های آن است که برای هر فرد منحصر به فرد بوده و با دیگران متفاوت است (Kour Zangane, 2002: 67-86). فریدمن^{۱۱} (۲۰۰۶) تعیین یک استراتژی علمی کلان برای

و اردبیل به مرکزیت استان رسیده‌اند.

۷. مراکز استانی که از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ تشکیل شده‌اند (دولت اصلاحات) در این دوره شهرهای قزوین، بیرجند و بجنورد به مرکزیت استان رسیده‌اند

تکنیک‌های استفاده شده در تحقیق سه تکنیک زیر می‌باشند:

۱. شاخص ترکیبی توسعه انسانی^۹ (شاخص موریس)

برای سنجش کیفیت زندگی در شهرهای کشور از شاخص ترکیبی توسعه انسانی (موریس) استفاده گردیده است. این تکنیک برای درجه‌بندی کشورها بوده و در آن از سه شاخص امید به زندگی، درصد باسوادی و درآمد سرانه استفاده می‌شود. اما در سطح شهرها و مناطق برای درجه بندی می‌توان از شاخص‌های زیادی استفاده کرد. ساختار کلی تکنیک شاخص ترکیبی توسعه انسانی (موریس)، در فرمول ۱، نشان داده شده است.

(۱)

$$Y_{ij} = \frac{X_i - X_{jmin}}{X_{jmax} - X_{jmin}}$$

$$Y_{ij} = \frac{X_{jmax} - X_i}{X_{jmax} - X_{jmin}}$$

در این فرمول X_i اندازه واقعی شاخص، X_{jmax} بزرگترین شاخص و X_{jmin} کوچکترین شاخص می‌باشد. پس از محاسبه شاخص Y_{ij} ، شاخص میانگین برای هر یک از شهرها و مناطق محاسبه می‌شود (Neumayer: 2001:137-149).

۲. تکنیک ایده پردازی با نمودار استخوان ماهی^{۱۰}

هدف اصلی از تکنیک استخوان ماهی، شناسایی و تهیه فهرستی از کلیه علل احتمالی مساله مورد نظر است. دلیل نام‌گذاری این فرایند به "استخوان ماهی" روش منحصر به فرد جمع آوری اطلاعات است که به صورت بصری مرتب می‌شود. هنگامی که مساله و علل آن ثبت می‌شود، نموداری تشکیل می‌گردد که شبیه به اسکلت ماهی است. مساله در داخل دایره و در سمت راست برگه کاغذ نوشته می‌شود. یک خط مستقیم به سمت چپ کشیده می‌شود که بیش‌تر شبیه به ستون فقرات ماهی است. گام بعدی ترسیم ساقه‌ها یا به عبارتی تیغ‌های ماهی با زاویه ۴۵

9 Human Development Index

10 Fishbone diagram

11. Friedman

نظام‌های فرهنگی و ارزشی که در آن زندگی می‌کنند و در رابطه با اهداف، انتظارات، استانداردها و علایق‌شان تعریف می‌کند. به بیان دیگر رضایت از زندگی به عنوان مؤلفه اصلی کیفیت زندگی مورد تاکید قرار می‌گیرد (WHO, 1995).

عبدی و گودرزی (۱۳۷۸)، بیان می‌کنند کیفیت زندگی دارای رابطه با رضایتمندی است. در این رابطه سه نوع رضایت از زندگی وجود دارد: رضایت ناشی از برخورداری افراد از امکانات، رضایت ناشی از ارتباط که معطوف به روابط اجتماعی است و رضایت ناشی از بودن اینکه ما هستیم در قضاوت ما از کیفیت زندگی مؤثر است (Abdi & Goudarzi, 1999: 1-301).

در پرتو نفوذ مفهوم کیفیت زندگی رویکردی جدید در شهرسازی شکل گرفته که معتقد است برنامه‌ریزی شهری باید به نیازهای روانی، محیطی، اجتماعی و اقتصادی همچون رضایت، شادمانی، امنیت، مسکن با کیفیت بالا، دسترسی به خدمات، امیدهای اشتغال، هویت اجتماعی، حس مکان و غیره علاوه بر اهداف کالبدی - کارکردی توجه داشته باشد (Saifuddini, 2007: 300-305).

پس از قوت گرفتن این رویکرد بسیاری از محققین و صاحب‌نظران حوزه مطالعات شهری به تعریف کلید واژه کیفیت زندگی شهری پرداختند. در زیر نگاهی گذارا به برخی از تعاریف موجود در زمینه کیفیت زندگی شهری انداخته شده است.

کیفیت زندگی شهری یکی از مهم‌ترین مسائل پیش روی دنیای امروز و از مباحث اساسی در تکوین سیاست‌گذاری اجتماعی مرتبط با شهر محسوب می‌شود که موضوعاتی چون رفاه، کیفیت زندگی، سلامت محور، نیازهای اساسی، زندگی روبه رشد و رضایت بخش، فقر و مطروودیت اجتماعی، نوع دوستی و از خود گذشتگی در میان شهروندان را دربرمی‌گیرد (Ghafafari & Omidi, 2011: 10-106).

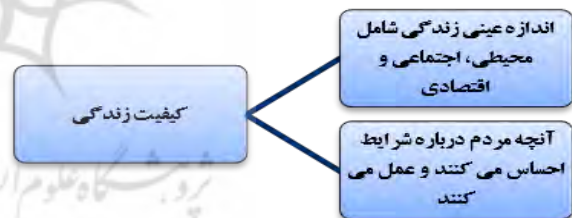
کیفیت زندگی شهری در محیطی با کیفیت بالا که احساس رفاه از طریق یک سری مشخصات که می‌تواند اجتماعی، فیزیکی یا نمادین باشد به وجود می‌آید (Marans, 2011: 20).

کیفیت زندگی شهری بعنوان جزء اساسی و مفهوم گسترده کیفیت زندگی است. کیفیت‌های پایه از قبیل سلامتی و امنیت در ترکیب با جنبه‌های از قبیل راحتی و جذابیت بخش مهمی از کیفیت زندگی شهری هستند (Deputy municipal arts and culture Tehran municipality; 2013: 1-74).

کیفیت زندگی و کیفیت زندگی شهری موضوع و هدف مجموعه - ای کلیدی از گفتمان‌ها و کاربست‌ها را شکل می‌دهد و نقطه کانونی مهمی برای منازعات حول محور نظریه‌های اجتماعی، روان‌شناسی، اقتصادی، جغرافیایی و سایر مکتب‌ها و نظریه‌های

بهبود کیفیت زندگی را مورد توجه قرار می‌دهد. او مقالات و تحقیقات مختلف علمی پیرامون ارتقاء استاندارد زندگی افراد و اصول اساسی بهبود کیفیت زندگی را با تاکید بر میزان گسترش و انتشار آن‌ها را مورد تحقیق قرار داد و به طور گسترده سه رویکرد الهیاتی، فلسفی و انسانی، را در راستای فهم و تغییر و تبیین کیفیت زندگی شناسایی نموده است (Friedman, 2006). کلمن^{۱۲} (۱۹۸۸)، می‌گوید کیفیت زندگی گسترده و انبساط آرزو است که از تجارب زندگی نشات می‌گیرد (Coleman, 1988: 95-112).

رحمان و همکاران (۲۰۰۳)، مفهوم کیفیت زندگی را یک متغیر مرکب می‌دانند که از متغیرهایی همانند تغییر در سطح درآمد مردم، شرایط زندگی، وضع سلامت، محیط، فشار روحی و روانی، فراغت، شادمانی خانوادگی، روابط اجتماعی و چندین متغیر دیگر نظیر آن تشکیل شده است (Rahman, et al, 2003: 30-31). میثائل اوساک^{۱۳} (۲۰۰۵)، کیفیت زندگی را روابط بین شرایط محیطی، اجتماعی و اقتصادی زندگی با سطح رضایتمندی افراد و فکر و احساسات مردم می‌داند (Michalos, 2005: 70-75). شکل ۱، روابطی را نشان می‌دهد که توسط میثائل اوساک ارائه گردیده است.



شکل ۱. کیفیت زندگی و روابط تشکیل دهنده آن

ماخذ: Michalos: 2005: 70-75

نوسبام^{۱۴} (۲۰۰۰)، کیفیت زندگی را احتیاجات انسانی برای مطلوبیت اجتماعی، سلامتی و رفاه که شامل رفاه فردی و عمومی می‌شود می‌داند (Nussbaum, 2000: 225).

گروه کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی^{۱۵} (۱۹۹۵)، کیفیت زندگی را به عنوان ادراک افراد از موقعیت‌شان در زندگی در متن

12. Coleman

13. Michalosac

14. Nussbaum

15. World Health Organization Group

(Ghafafari & Omid, 2011:1-213)

نظریه پردازان جبرگرا اعتقاد دارند شرایط محیط طبیعی یا عملکردهای انسانی، اساس قانون علی محسوب می شود. اینان اعتقاد دارند عوامل محیطی به ویژه عوامل محیط طبیعی بر فعالیتها، تصمیم گیریها، الگوها و رفتارهای انسانی و به طور کلی بر کیفیت زندگی انسان مسلط می گردد و شرایط خود را به صورت گسترده بر مردم تحمیل می نماید (Shaqouei, 2008:235).

صاحب نظران نظریه دولت و شهرنشینی اعتقاد دارند میان حکومت و دولت از یک طرف و توسعه شتابان شهر و شهرنشینی در ایران از طرف دیگر، رابطه معناداری وجود دارد. متخصصان این نظریه انقلاب مشروطیت را در تاریخ شهر و شهرنشینی ایران یک نقطه عطف تاریخی مهم به شمار می آورند. اینان اعتقاد دارند دولت های موجود در ایران به شکل های مختلف به افزایش کیفیت زندگی مردم شهری کمک می نمایند که البته میزان این کمک ها از شهری به شهر دیگر متفاوت است ولی معمولاً نقش دولت در افزایش کیفیت زندگی در شهرهای پرجمعیت تر، مراکز استان ها و مراکز شهرستان ها که دولت در آنها حضور پررنگ تری دارد بیش تر است (Rahnamaei, 2009:143-167).

برخی از اندیشمندان اعتقاد دارند رفتار مردم یا خصیصه های چشم انداز که در کیفیت زندگی مردم تاثیر دارند در نتیجه آنچه که قبلاً در مکانی به وجود آمده است، تغییر می یابد اینان نام این فرایند را پخش فضایی گذاشته و آن را این گونه تعریف می نمایند: پخش فضایی عبارت است از گسترش یک پدیده از کانون یا کانون های اصلی در بین مردمی که آمادگی پذیرش آن پدیده می باشند و این گسترش در طول زمان انجام می پذیرد. مسلمانان هرگاه یک پدیده اعم از اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در یک ناحیه فراگیر شده و دارای پیامدهای ویژه ای باشد، در صورت فراهم بودن شرایط لازم، آن پدیده به سایر نواحی نفوذ و کیفیت زندگی مردم ناحیه جدید را نیز تحت الشعاع خود قرار می دهد. یکی از وظایف اصلی جغرافیدانان آگاهی از نحوه ی انتشار آن پدیده، شناسایی مراکز اصلی شکل گیری، سرعت انتشار و بالاخره ارایه راهبردهای مناسب جهت بهینه کردن نحوه ی انتشار آن پدیده می باشد (Ebrahimzade & Bazrafshan, 2007:57-75).

عده ای از اندیشمندان اعتقاد دارند مهاجرت کیفیت زندگی انسان را تحت تاثیر قرار می دهد. اینان بیان می نمایند که مهاجرت ناشی از دو عامل می باشد یکی نیروهای دافعه یعنی عواملی که سبب کاهش کیفیت زندگی فرد شده و باعث می شوند فرد مکان زندگی خود را ترک کند و دیگری نیروهای جاذبه یا عواملی که سبب می شوند فرد به سوی مکان دیگری جذب شود این عوامل باعث افزایش کیفیت زندگی فرد مهاجر

علمی است. در ذیل به برخی از نگرشها و رویکردها در مورد کیفیت زندگی و کیفیت زندگی شهری اشاره می شود.

پرو اعتقاد دارد رشد در مناطق یا قطب های معین و در زمان های مشخص پدید می آید. صنایع محرک یا شرکت های پیش برنده که در قطبها ایجاد می شوند، آثار پیوسته ای بر یکدیگر می گذارند و تولید را افزایش و کیفیت زندگی را بهبود می بخشد. هم چنین صنایع مذکور در نوآوری و گسترش توسعه و افزایش استاندارد زندگی در سرتاسر ناحیه به طور بخشی و فضایی موثر هستند (Haite, 2004:54).

در کشورهای در حال توسعه راهبرد قطب رشد عمدتاً با سه هدف مورد استفاده قرار گرفته است. اول مدرنیته کردن مناطق عقب افتاده بدین شکل که در این گونه مناطق دولت توجه بیشتری را به یک یا چند شهر نموده و با افزایش سرویس دهی به آنها باعث بهبود کیفیت زندگی مردم می گردد، دوم ایجاد مراکز شهری در مناطقی که منابع طبیعی دارند، سوم در مواردی که مشکل رشد فزاینده در متروپل به وجود می آید در این گروه موارد دولت با سرمایه گذاری در سایر شهرها سعی در کاهش رشد متروپل دارد. در واقع این راهبرد به دلایل مختلف فوق به عنوان ابزار سیاست گذاری مورد استقبال کشورهای مختلف قرار گرفت (Kalantari, 2001:71).

نظریه پردازان مدل مرکز و پیرامون اعتقاد دارند که برخی از جوامع غربی از چند مرحله عبور نموده اند تا به توسعه دست یافته و کیفیت زندگی مردم خود را بهبود بخشیده اند. در حالی که بسیاری از جوامع جهان سوم در مرحله اول توسعه باقی مانده و در آنها مرکز به مثابه کانون قدرت، هدایت و سلطه، محل تجمع و تمرکز آراء و اندیشه ها، پیشرفت علمی و فناوری، سرمایه و نیز کانون توسعه بشمار می آید و سطح کیفیت زندگی شهروندان در آن بسیار بالاتر از پیرامون است. در مقابل، پیرامون، به مثابه فراهم کننده منابع تأمین نیازهای مرکز، جایگاهی کاملاً وابسته داشته و از سطح کیفیت زندگی پایین تری برخوردار است.

عده ای از دانشمندان معتقد به نظریه اقتصاد سیاسی افزایش کیفیت اقتصادی زندگی را بر مبنای ایده عدم کارایی بازار تعریف می کنند. از نظر (مکتب نئوکلاسیک)، اقتصاد به معاملات خصوصی خواهان حداکثر سود گفته می شود و سیاست، به کار بردن قدرت دولتی برای همان هدف مطلق اطلاق می شود.

اینان اعتقاد دارند کیفیت زندگی به دو صورت بهبود می یابد. اول پذیرش این اصل که تغییر از نیروها و فرایندهای درونی جامعه پدید می آید و نه با تصمیم دولت. دوم آن که دولت باید لزوم تغییرات و هدایت جامعه را شناسایی نماید و آنها هدایت نماید

می‌شوند (Lee, 1989: 51-79).

اگر شهرهای مورد مطالعه در ۴ طبقه ضعیف شامل شهرهایی که شاخص آن‌ها مابین ۰/۳۲ تا ۰/۴۳ می‌باشد، طبقه متوسط به پایین شامل شهرهایی که شاخص آن‌ها مابین ۰/۴۴ تا ۰/۶۰ است، طبقه متوسط شامل شهرهایی که شاخص آن‌ها مابین ۰/۶۱ تا ۰/۷۵ می‌باشد و طبقه خوب شامل شهرهایی که شاخص آن‌ها مابین ۰/۷۶ تا ۰/۹۰ است تقسیم‌بندی شوند؛ ۷ شهر خرم‌آباد، بندرعباس، اهواز، کرمانشاه، زاهدان، یاسوج و ایلام در طبقه ضعیف قرار می‌گیرند. فاصله شاخص کیفیت در میان این شهرها نسبتاً زیاد است. به طوری که ضعیف‌ترین شهر واقع در این طبقه یعنی شهر خرم‌آباد دارای شاخص ۰/۳۲ و قوی‌ترین شهر واقع در این طبقه یعنی شهر یاسوج دارای شاخص ۰/۴۳ می‌باشد. نکته مهمی که در مورد این طبقه از شهرها وجود دارد آن‌که از مجموع این ۷ شهر، ۵ شهر در استان‌های مرزی قرار دارند.

۱۴ شهر کرمان، سنندج، شیراز، گرگان، قم، بجنورد، بوشهر، اردبیل، مشهد، زنجان، شهرکرد، قزوین، ارومیه و بیرجند در طبقه متوسط به پایین قرار می‌گیرند. فاصله میان شهرهای این طبقه نیز زیاد است. به گونه‌ای که شهرهایی مانند کرمان و شیراز با شاخص ۰/۴۹ در این طبقه قرار می‌گیرند و در کنار آن‌ها شهرهایی مانند شهرکرد با شاخص ۰/۶ قرار می‌گیرد. نکته دوم آن است که ۵۰ درصد از شهرهای واقع در این طبقه در استان‌های مرزی و ۵۰ درصد از دیگر در استان‌های غیرمرزی قرار می‌گیرند. البته ذکر این نکته ضروری است که اکثر شهرهای واقع در استان‌های غیر مرزی واقع شده در این طبقه از تهران فاصله زیادی دارند.

۶ شهر اراک، همدان، تهران، ساری، رشت و تبریز در طبقه متوسط قرار می‌گیرند. فاصله شاخص میان شهرهای واقع در این طبقه کمتر از سایر طبقات است. به گونه‌ای که شهرهای ساری و رشت با شاخص ۰/۷۱ بهترین شهر واقع در این طبقه می‌باشند. در حالی که شهر همدان و اراک با شاخص ۰/۶۳ ضعیف‌ترین شهر این طبقه می‌باشند. نکته مهمی در مورد شهرهای این طبقه قرارگیری شهر تهران پایتخت کشور در شهرهای این طبقه می‌باشد. این شهر از نظر برخی از شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی هم‌چون شاخص نسبت دانشجویان وضعیت بسیاری خوبی را در کشور دارا می‌باشد، ولی از نظر برخی از شاخص‌ها هم‌چون میزان طلاق وضعیت ضعیفی را دارا می‌باشد. به همین سبب میانگین شاخص این شهر متوسط به دست آمده است. نکته دوم در مورد شهرهای این طبقه آن است که ۳ شهر از شهرهای این طبقه از شهرهای مرکزی ایران می‌باشند. دو شهر نیز از شهرهای شمالی کشور هستند. در این طبقه تنها شهر

یافته‌ها

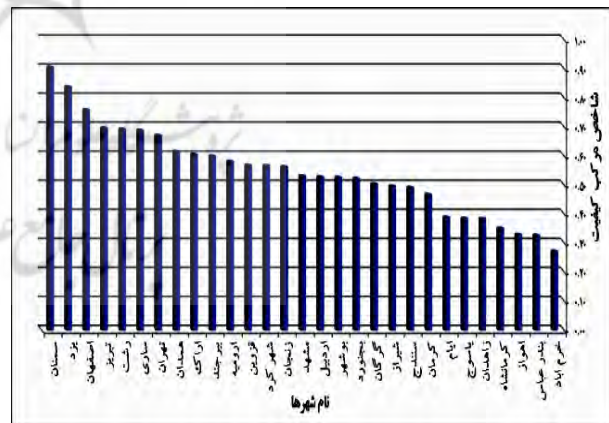
بررسی کیفیت شاخص فرهنگی و اجتماعی سال ۱۳۷۵

شاخص مرکب کیفیت فرهنگی و اجتماعی (شاخص توسعه یافتگی) برای هر یک از شهرها در جدول ۲، محاسبه و در شکل ۲، نمایش داده شده است.

جدول ۲. کیفیت شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی در

جامعه آماری مورد مطالعه در سال ۱۳۷۵

| نام شهر | شاخص مرکب کیفیت زندگی | نام شهر | شاخص مرکب کیفیت زندگی | نام شهر | شاخص مرکب کیفیت زندگی |
|-----------|-----------------------|---------|-----------------------|---------|-----------------------|
| خرم‌آباد | ۰,۳۲ | سنندج | ۰,۵۲ | شهرکرد | ۰,۶۰ |
| اهواز | ۰,۳۵ | مشهد | ۰,۵۳ | همدان | ۰,۶۳ |
| بندر عباس | ۰,۳۷ | گرگان | ۰,۵۴ | اراک | ۰,۶۳ |
| کرمانشاه | ۰,۳۹ | بیرجند | ۰,۵۵ | تهران | ۰,۶۸ |
| زاهدان | ۰,۴۱ | اردبیل | ۰,۵۵ | تبریز | ۰,۷۱ |
| ایلام | ۰,۴۲ | زنجان | ۰,۵۶ | ساری | ۰,۷۱ |
| یاسوج | ۰,۴۳ | بوشهر | ۰,۵۶ | رشت | ۰,۷۱ |
| شیراز | ۰,۴۹ | قم | ۰,۵۶ | اصفهان | ۰,۷۶ |
| کرمان | ۰,۴۹ | ارومیه | ۰,۵۷ | یزد | ۰,۷۹ |
| بجنورد | ۰,۵۱ | قزوین | ۰,۵۹ | سمنان | ۰,۹۰ |

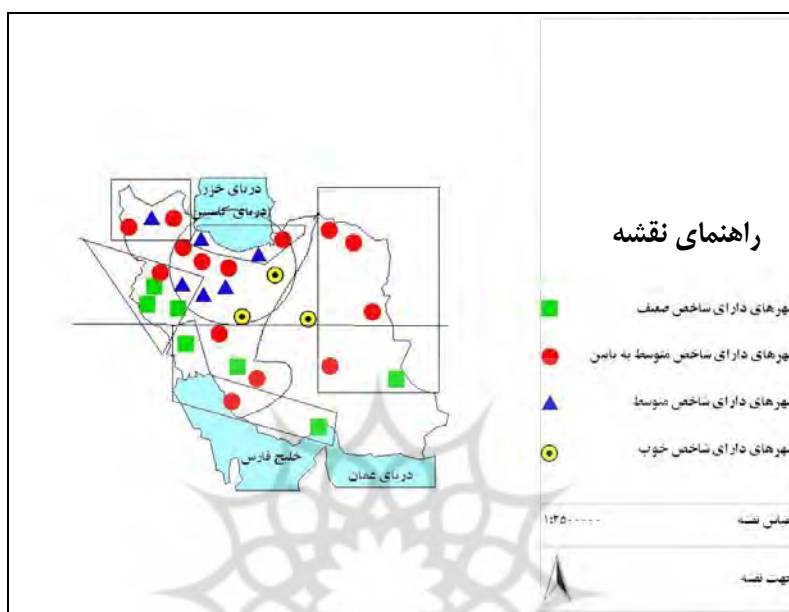


شکل ۲. نمودار شاخص مرکب کیفیت زندگی در مرکز استان‌های ایران در سال ۱۳۷۵

مطالعه جدول ۲، و نمودار ۱، نشان می‌دهد که فاصله شاخص فرهنگی و اجتماعی میان شهرهای مورد مطالعه نسبتاً زیاد است. به گونه‌ای که در این سال شهر سمنان با شاخص ۰/۹۰ بهترین شهر ایران از نظر فرهنگی و اجتماعی است و شهر خرم‌آباد با شاخص ۰/۳۲ ضعیف‌ترین شهر ایران از لحاظ فرهنگی و اجتماعی می‌باشد.

در صدر شهرها از لحاظ فرهنگی و اجتماعی قرار گرفته است. شکل ۳، شاخص کیفیت زندگی در شهرهای مختلف کشور را نشان می‌دهد.

تبریز فاصله قابل توجهی با مرکز کشور یعنی تهران دارد. ۳ شهر اصفهان، یزد و سمنان در طبقه خوب قرار می‌گیرند. در این طبقه با وجود آن که تنها ۳ شهر قرار می‌گیرند فاصله شاخص زیاد است. چنانچه شهر اصفهان دارای شاخص ۰/۷۶ می‌باشد و شهر سمنان نیز با فاصله زیاد از شهر اصفهان یعنی با شاخص ۰/۹



شکل ۳. شاخص کیفیت زندگی در شهرهای مورد مطالعه در سال ۱۳۷۵

کیفیت زندگی بالاتری نسبت به شهرهایی برخوردار هستند که دورتر از تهران می‌باشند.

در صورت بررسی دقیق‌تر موقعیت جغرافیایی شهرها نتایج زیر به دست می‌آید:

کیفیت شاخص فرهنگی و اجتماعی در سال ۱۳۷۵ در شهرهای واقع در منطقه مرکزی و شمالی کشور بهتر است. پس از این دو منطقه شهرهای واقع در منطقه شمال غرب کشور از وضعیت بهتری برخوردار هستند. در حالی که کیفیت شاخص در شهرهای واقع در استان‌های مرزی جنوب شرق، غرب، جنوب غرب ضعیف‌تر از سایر شهرها است.

به نظر می‌رسد بهتر بودن کیفیت شاخص در شهرهای مرکزی را می‌توان در غالب نظریه‌های مرکز پیرامون و قطب رشد تحلیل نمود. بدین شکل که در سال‌های گذشته دولتهایی که در کشور روی کار آمده‌اند درآمد حاصل از نفت را ابتدا در تهران سرمایه گذاری نموده و در درجه دوم در شهرهای اطراف تهران سرمایه گذاری نموده‌اند. این مسئله سبب بهبود وضعیت زندگی در شهرهای قریب به اتفاق این واحدها ابتدا در تهران و شهرهای نزدیک به تهران ایجاد شده‌اند و سال‌ها طول کشیده که واحدهای فوق در

تحلیل و علت‌یابی مسائل

مطالعه رابطه موقعیت جغرافیایی شهرها و شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی نشان می‌دهد که کیفیت شاخص فرهنگی و اجتماعی در شهرهای واقع در نیمه شمالی خیلی بهتر از کیفیت شاخص فرهنگی و اجتماعی در شهرهای واقع در نیمه جنوبی کشور می‌باشد. همچنین کیفیت شاخص فرهنگی و اجتماعی در شهرهای واقع در نیمه غربی بسیار بهتر از شهرهای واقع در نیمه شرقی می‌باشد. به نظر می‌رسد نتایج حاصل شده را می‌توان در غالب نظریه جبرگرایی محیطی، قطب رشد و مرکز پیرامون تحلیل نمود. بدین شکل که در نیمه غربی و نیمه شمالی کشور به دلیل بهتر بودن پتانسیل‌های محیطی نسبت به نیمه شرقی و نیمه جنوبی کیفیت شاخص فرهنگی و اجتماعی بالاتر است.

از طرفی دیگر شهرهای واقع در منطقه غربی و نیمه شمالی کشور به تهران نزدیک‌تر می‌باشند. لذا به دلیل نوع برنامه‌ریزی کشور که سبب ایجاد دو ناحیه متفاوت مرکز و پیرامون در کشور گردیده‌است شهرهایی که به تهران نزدیکتر هستند معمولاً از این بخش کشور شده است. نگاهی به تاریخ شکل‌گیری دانشگاه‌ها و سایر نهادهای فرهنگی در کشور نشان می‌دهد که اکثر

کشور برای کار در نهادهای دولتی به شهرهایی که دولت در آن‌ها حضور قوی‌تری دارد مهاجرت می‌نمایند.

لذا با توجه به این شرایط کیفیت زندگی فرهنگی و اجتماعی در شهرهایی که دولت در آن‌ها زودتر استقرار یافته است بالاتر است، البته استثناهایی هم در این زمینه وجود دارد چنانچه شهرهای دوره چهارم به جای آن‌که در رتبه چهارم قرار گیرند در رتبه دوم قرار گرفته‌اند، همچنین شهرهای دوره دوم نیز به جای این‌که در رتبه دوم قرار گیرند در رتبه آخر قرار گرفته‌اند (که البته به‌دست آمدن این نتیجه بیش‌تر برای این می‌باشد که در این طبقه تنها یک شهر قرار دارد و شهر فوق هم بنا به دلیل اقتصاد سیاسی از توسعه یافتگی کمتری برخوردار است).

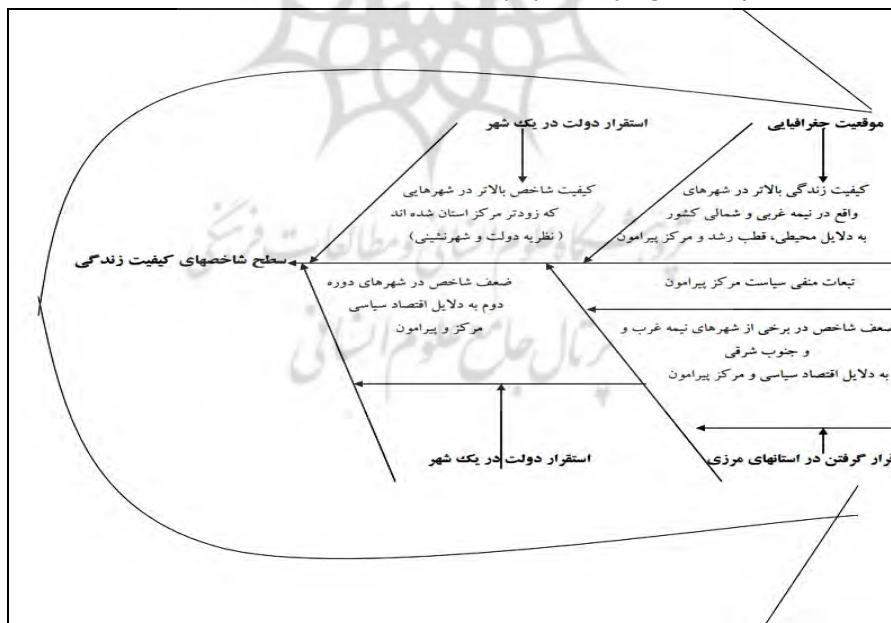
به نظر می‌رسد دلیل به وجود آمدن این استثناها اجرای برنامه‌های قطب رشد، مرکز پیرامون و اقتصاد سیاسی در کشور می‌باشد. به عبارت دیگر هر چند استقرار دولت در یک شهر سبب افزایش سرویس‌دهی به شهرها می‌گردد، اما میزان تاثیر برنامه‌های قطب رشد، مرکز پیرامون و اقتصاد سیاسی بیش‌تر از تاثیر زمان استقرار دولت در شهرها است. شکل ۴، مهم‌ترین عوامل تاثیر گذار بر کیفیت شاخص فرهنگی و اجتماعی در شهرهای ایران در سال ۱۳۷۵ را نشان می‌دهد.

شهرهای واقع در استان‌های مرزی ایجاد گردند. همچنین اگر دانشگاهی هم در شهرهای واقع در استان‌های مرزی ایجاد شده- است از نظر امکانات و تعداد دانشجویان به مراتب وضعیت ضعیف-تری نسبت به دانشگاه‌های تهران و شهرهای واقع در اطراف آن دارد.

بررسی رابطه میان کیفیت شاخص فرهنگی و اجتماعی و دوره‌ای که شهرها به مرکز استان رسیده‌اند نشان می‌دهد که کیفیت شاخص فرهنگی و اجتماعی در شهرهایی که در دوره‌های اول، چهارم و سوم به مرکزیت استان رسیده‌اند بهتر است. کیفیت شاخص در شهرهایی که در دوره دوم، ششم و هفتم به مرکزیت استان رسیده‌اند ضعیف‌تر است.

نتایج فوق نشان می‌دهد که بین دوره‌ای که شهر به مرکزیت استان رسیده است و کیفیت شاخص فرهنگی و اجتماعی ارتباط وجود دارد. به صورتی که شهرهایی که در دوره‌های قبل‌تر به مرکزیت استان انتخاب شده‌اند دارای شاخص بالاتری هستند.

به نظر می‌رسد نتایج فوق را بتوان در چارچوب نظریه دولت و شهرنشینی توجیه نمود. بدین شکل که دولت با استقرار خود در شهرها باعث آبادانی شهرهای می‌گردد، نهادهای فرهنگی و اجتماعی در شهرهایی که دولت در آن‌ها حضور پررنگ‌تری دارد بیش‌تر می‌باشد، تعداد زیادی از افراد تحصیل کرده از سراسر



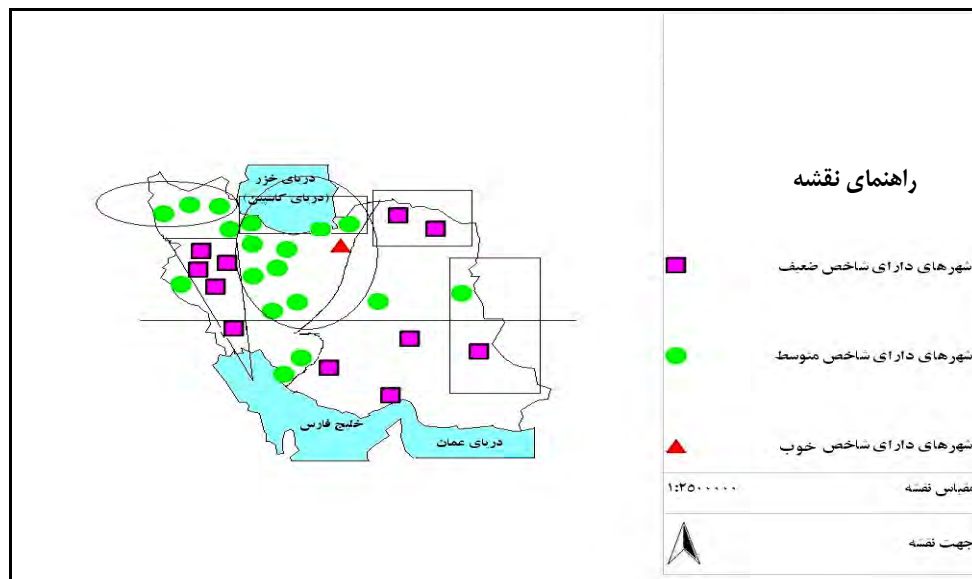
شکل ۴. مهم‌ترین عوامل تاثیر گذار بر کیفیت شاخص فرهنگی و اجتماعی در شهرهای ایران در سال ۱۳۷۵

شهرها در جدول ۳، محاسبه و در شکل ۵، نمایش داده شده است. مطالعه جدول ۳ و شکل ۵، نشان می‌دهد که فاصله شاخص فرهنگی و اجتماعی میان شهرهای مورد مطالعه نسبتاً زیاد است.

بررسی کیفیت شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی در

سال ۱۳۸۵

شاخص مرکب کیفیت (شاخص توسعه یافتگی) برای هر یک از



نقشه ۲. کیفیت شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی در شهرهای مورد مطالعه در سال ۱۳۸۵

تحلیل و علت‌یابی مسائل

تجزیه و تحلیل رابطه میان کیفیت شاخص فرهنگی و اجتماعی و موقعیت جغرافیایی شهرها نشان می‌دهد که کیفیت شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی در شهرهای واقع در مرکز، شمال و شمال غرب کشور بسیار مناسب‌تر از کیفیت شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی در شرق و جنوب کشور مخصوصاً مراکز استان‌های مرزی شمال شرق، شرق و جنوب کشور می‌باشد.

نتیجه آن که بخش از نتایج به دست آمده را می‌توان در چارچوب نظریه جبرگرایی محیطی تحلیل نمود. بدین شکل که یکی از دلایل بهتر بودن شاخص در شهرهای نیمه شمالی نسبت به شهرهای نیمه جنوبی و شهرهای نیمه غربی نسبت به شهرهای نیمه شرقی پتانسیل‌های محیطی بهتری همچون منابع آب بهتر، حوزه‌های آبریز بیشتر، خاک مساعدتر و ... می‌باشد.

به نظر می‌رسد بخشی دیگر از نتایج به دست آمده را می‌توان در غالب نظریه مرکز پیرامون تحلیل نمود. بدین شکل که شهرهای واقع در استان‌های مرکزی و شمالی کشور (منظور شهرهای واقع در دایره فرضی روی شکل است) در نقش مرکز می‌باشند. در این شهرها افراد تحصیل کرده بیش‌تری زندگی می‌نمایند، متوسط شاخص کیفیت زندگی بالاتر است، امکانات آموزشی و فرهنگی بیش‌تری وجود دارد به همین سبب معمولاً نخبگان میل بیش‌تری به مهاجرت به این شهرها دارند، طبیعتاً در این شرایط کیفیت زندگی در این گونه شهرها بالاتر است.

در مقابل شهرهای واقع در مناطق مرکزی شهرهای واقع در استان‌های مرزی کشور قرار دارند. این شهرها از امکانات آموزشی کمتری برخوردار هستند، جمعیت تحصیل کرده کمتری دارند و معمولاً با پدیده فرار مغزها روبه‌رو هستند طبیعی است در

چنین شرایطی متوسط سطح زندگی در شهرهای فوق پایین‌تر از متوسط کشور باشد.

از نکات دیگر مورد توجه قرار گرفتن شهر تهران در رتبه ۱۹ می‌باشد. با وجودی که این شهر از شاخص‌های آموزشی بسیار بالایی برخوردار است، اما ضعیف بودن شاخص طلاق در این شهر از دلایل اصلی افت شاخص فرهنگی و اجتماعی در شهر تهران می‌باشد.

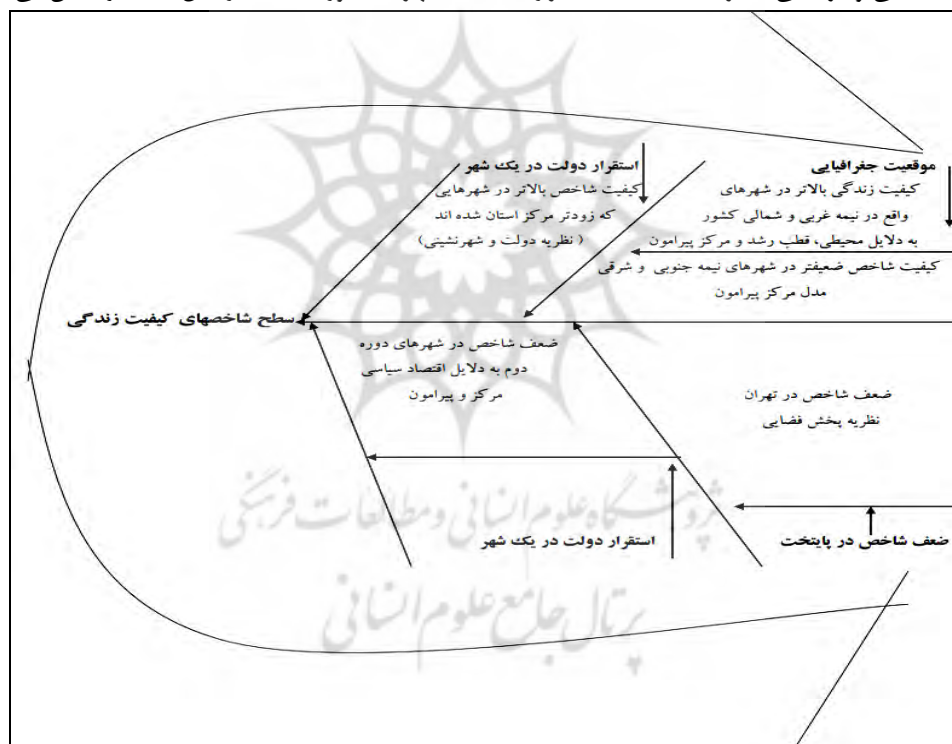
به نظر می‌رسد ضعف شاخص فرهنگی و اجتماعی در شهر تهران را می‌توان به نظریه پخش فضایی پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی نسبت داد. بدین شکل که شهر تهران به عنوان پایتخت کشور مرکز تقلید از الگوها و مدهای رایجی است که در خارج کشور رواج دارد. بخشی از این الگوها و مدها نیز گرایش به طلاق و زندگی مجردی است که ابتدا وارد شهر تهران گردیده است. بدیهی است انتظار می‌رود این الگوها بعد از گذر زمان به سایر شهرهای کشور نیز تسری پیدا نمایند.

به نظر می‌رسد ضعف بیش از اندازه شهرهای واقع در استان‌های مرزی غربی را می‌توان در چارچوب نظریه اقتصاد سیاسی که در چارچوب جنگ ایران و عراق و تاثیر آن بر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی شهرهای غرب ایران توجیه نمود. البته ذکر این نکته نیز ضروری است که در این دوره تاثیر اقتصاد سیاسی بر ساختارهای اجتماعی به نسب سال ۱۳۷۵ کمتر گردیده است.

بررسی رابطه میان کیفیت شاخص فرهنگی و اجتماعی و دوره‌ای که شهرها به مرکزیت استان رسیده‌اند نشان می‌دهد که بر خلاف سال ۱۳۷۵ کیفیت شاخص در شهرهای دوره‌های مختلف به یکدیگر نزدیک شده است. اما با وجود این کیفیت

دولت در یک مکان به گسترش یک شیوه زندگی خاص کمک نمی‌نماید، بلکه امروزه آن چیزی که امر گسترش را تسریع می‌کند دستگاه‌های ارتباطی و سیستم‌های تکنولوژی جدید می‌باشد که در دسترس همگان است. به دلیل تفاوت موجود در شهرهای کشور در استفاده از سیستم‌های جدید ارتباطی همچون ماهواره، اینترنت و سایر دست‌آورد‌های جدید بشر در علم ارتباطات در دوره ۱۰ ساله منتهی به سال ۱۳۸۵ شاهد رشد S شکل منحنی پخش در طول زمان هستیم به گونه‌ای که سرعت تغییرات اجتماعی و فرهنگی در برخی از شهرهای کشور سریع‌تر و در برخی دیگر از شهرهای کشور آرام‌تر می‌باشد، به همین سبب می‌باشد که کیفیت شاخص اجتماعی و فرهنگی در شهرهای مختلف با یکدیگر متفاوت است. شکل ۶، مهم‌ترین دلایل تاثیرگذار بر کیفیت شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی در شهرهای مورد مطالعه در سال ۱۳۸۵ را نشان می‌دهد.

شاخص در شهرهای دوره‌های هفتم، ششم و چهارم بهتر و در شهرهای دوره دوم ضعیف‌تر است. در تحلیل یافته‌های حاصل شده می‌توان گفت هر چند نتایج بدست آمده از شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی سال ۱۳۷۵ را می‌توان در غالب نظریه دولت و شهرنشینی تحلیل نمود، بدین‌گونه که استقرار زودتر دولت در یک شهر موجب بهبود امکانات فرهنگی و اجتماعی در شهرها می‌شده است، اما امروزه با ورود انواع سیستم‌های اطلاع‌رسانی که سبک زندگی واحدی را در تمام جهان تبلیغ می‌نمایند، تغییرات در باورهای فرهنگی و هنجارهای اجتماعی به آیدمی در سرتاسر جهان از جمله در شهرهای کشور ما تبدیل گردیده است. به گونه‌ای که تغییرات اجتماعی که می‌تواند موضوع پخش فضایی باشد با سرعت زیاد در شهرهای مختلف کشور پخش گردیده است. به عبارت دیگر در زمینه مسائل اجتماعی و فرهنگی دیگر همانند گذشته استقرار



شکل ۶. مهم‌ترین دلایل تاثیرگذار بر کیفیت شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی در شهرهای مورد مطالعه در سال ۱۳۸۵

که دولت زودتر در آن‌ها استقرار یافته بهتر از سایر شهرها است. جدول ۴، کیفیت شاخص فرهنگی و اجتماعی در شهرهایی که در دوره‌های مختلف به مرکزیت استان رسیده‌اند را نشان می‌دهد.

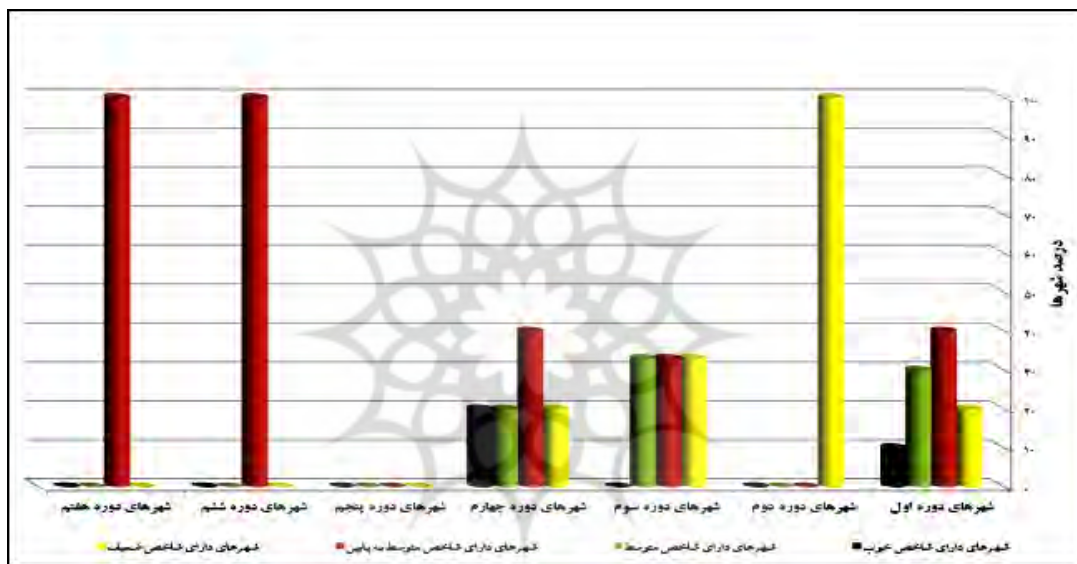
بررسی سوال‌های تحقیق

۱. ارتباط میان زمان تبدیل شهرها به مرکز استان و کیفیت زندگی چگونه است؟
در سال ۱۳۷۵ کیفیت شاخص فرهنگی و اجتماعی در شهرهایی

جدول ۴. کیفیت شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی سال ۱۳۷۵ در شهرهای دوره‌های مختلف

| دوره‌ای که شهرها به مرکزیت استان رسیده‌اند | شهرهای دارای شاخص ضعیف | شهرهای دارای شاخص متوسط به پایین | شهرهای دارای شاخص متوسط | شهرهای دارای شاخص خوب |
|--|------------------------|----------------------------------|-------------------------|-----------------------|
| شهرهای دوره اول | ۲۰ درصد | ۴۰ درصد | ۳۰ درصد | ۱۰ درصد |
| شهرهای دوره دوم | ۱۰۰ درصد | - | - | - |
| شهرهای دوره سوم | ۲۳ درصد | ۳۳ درصد | ۲۳ درصد | - |
| شهرهای دوره چهارم | ۲۰ درصد | ۴۰ درصد | ۲۰ درصد | ۲۰ درصد |
| شهرهای دوره پنجم | - | - | - | - |
| شهرهای دوره ششم | - | ۱۰۰ درصد | - | - |
| شهرهای دوره هفتم | - | ۱۰۰ درصد | - | - |

شکل ۷، کیفیت شاخص فرهنگی و اجتماعی در شهرهایی که در دوره‌های مختلف به مرکزیت استان رسیده‌اند را نشان می‌دهد.



شکل ۷. نمودار کیفیت شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی سال ۱۳۷۵ در شهرهای دوره‌های مختلف

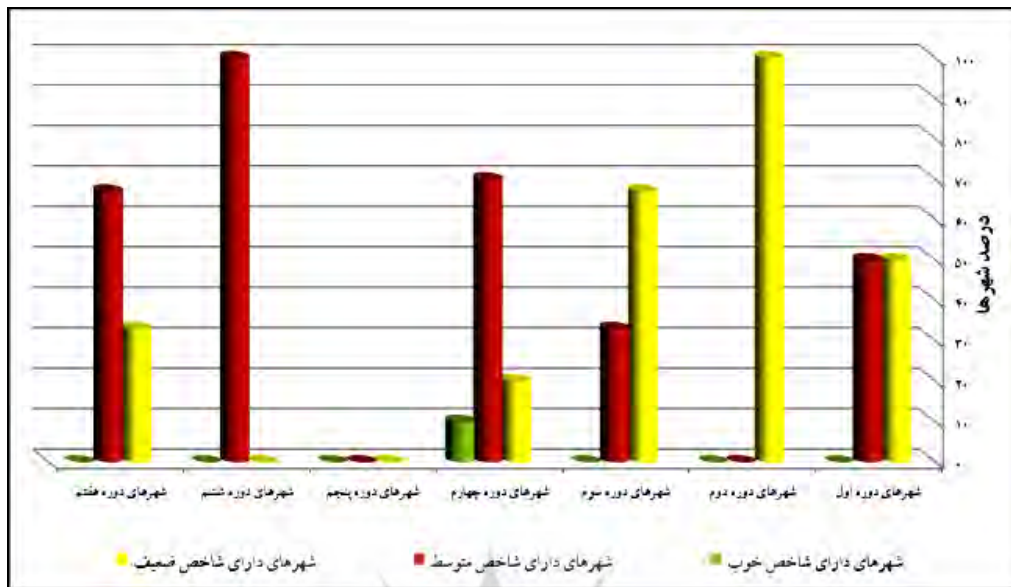
اهمیت رابطه زمان استقرار دولت و کیفیت شاخص فرهنگی و شاخص فرهنگی و اجتماعی در شهرهایی که در دوره‌های اجتماعی در سال ۱۳۸۵ کمتر شده‌است. جدول ۵، کیفیت مختلف به مرکزیت استان رسیده‌اند را نشان می‌دهد.

جدول ۵. کیفیت شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی سال ۱۳۸۵ در شهرهای دوره‌های مختلف

| دوره‌ای که شهرها به مرکزیت استان رسیده‌اند | شهرهای دارای شاخص ضعیف | شهرهای دارای شاخص متوسط | شهرهای دارای شاخص خوب |
|--|------------------------|-------------------------|-----------------------|
| شهرهای دوره اول | ۵۰ درصد | ۵۰ درصد | - |
| شهرهای دوره دوم | ۱۰۰ درصد | - | - |
| شهرهای دوره سوم | ۶۷ درصد | ۲۳ درصد | - |
| شهرهای دوره چهارم | ۲۰ درصد | ۷۰ درصد | ۱۰ درصد |
| شهرهای دوره پنجم | - | - | - |
| شهرهای دوره ششم | - | ۱۰۰ درصد | - |
| شهرهای دوره هفتم | ۳۳ درصد | ۶۷ درصد | - |

شکل ۸. کیفیت شاخص فرهنگی و اجتماعی سال ۱۳۸۵ شهرهایی

که در دوره‌های مختلف به مرکزیت استان رسیده‌اند را نشان می‌دهد.



شکل ۸. کیفیت شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی سال ۱۳۸۵ در شهرهای دوره‌های مختلف

بردن این تفاوت‌ها باید عدالت اجتماعی که موتور محرکه پیشرفت متعادل، متناسب و هماهنگ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تمامی جوامع و به‌ویژه کشورهای در حال توسعه است اساس برنامه‌ریزی‌های کشور قرار گیرد. بدیهی است در صورتی که عدالت اجتماعی در برخورداری از امکانات مادی و معنوی کشور وجود داشته‌باشد استاندارد زندگی مردم افزایش یافته و میزان رضایتمندی مردم نیز بهبود خواهد یافت.

در سال ۱۳۸۵ کیفیت شاخص فرهنگی و اجتماعی در اکثر قریب به اتفاق شهرهای ضعیف و یا متوسط است. به‌گونه‌ای که در این سال تعداد شهرهایی که دارای شاخص فرهنگی و اجتماعی خوب هستند به مراتب از سال ۱۳۷۵ کمتر می‌باشد. به‌نظر می‌رسد اجرای سیاست‌های اقتصاد سیاسی و قطب رشد در به‌وجود آمدن این شرایط تاثیر داشته است. از نکات جالب توجه در زمینه یافته‌های فرهنگی و اجتماعی حاصل شده سال ۱۳۸۵ سرعت متفاوت تغییرات اجتماعی در شهرهای کشور است. به‌نظر می‌رسد پدیده پخش فضایی دلیل این موضوع می‌باشد.

با توجه این تفاسیر به نظر می‌رسد الگوی فرهنگی و اجتماعی موجود در شهرهای کشور تا دست‌یابی به الگوی توسعه پایدار تفاوت زیادی دارد. بی‌توجهی به مسائل اجتماعی، منفعل بودن نهادها و سازمان‌های اجتماعی کشور در مقابله هجمه فرهنگی اجتماعی بیگانگان، نبود برنامه‌ریزی جامع فرهنگی و اجتماعی

۲. آیا با گذر زمان وضعیت کیفیت زندگی در شهرهای

مرکز استان ایران روند تعادل می‌گیرد؟

برای بررسی این فرضیه از تکنیک ضریب آنتروپی استفاده شده است. نتایج مستخرج شده نشان می‌دهد که میزان آنتروپی شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی در سال ۱۳۷۵ رقم ۲,۷۴، در سال ۱۳۸۵ رقم ۲,۶۷ به‌دست آمده‌است. ارقام فوق نشان می‌دهند که در بازه زمانی ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ کیفیت شاخص فرهنگی و اجتماعی به سمت عدم تعادل حرکت نموده است.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با استفاده از شاخص‌های عینی موجود در مرکز آمار ایران به مطالعه کیفیت زندگی فرهنگی و اجتماعی شهرهای مرکز استان سال ۱۳۸۵ کشور در ۲ سرشماری ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ پرداخته و به نتایج زیر دست یافته است:

در سال ۱۳۷۵ بین شهرهای مورد مطالعه از نظر فرهنگی و اجتماعی تفاوت زیادی وجود دارد. میزان این تفاوت بسیار زیادتر از آن است که بتوان به اهداف توسعه پایدار به عنوان یک فرایند که لازمه بهبود و پیشرفت است و اساس بهبود وضعیت و رفع کاستی‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع پیشرفته می‌باشد دست یافت. به‌نظر می‌رسد در سال ۱۳۷۵ عواملی همچون اجرای سیاست‌های اقتصاد سیاسی، قطب رشد و سیاست مرکز پیرامون در به وجود آمدن این تفاوت‌ها نقش داشته باشد. برای از بین

بوده‌اند. اما با گذر زمان و ورود وسایل ارتباط جمعی جدید به بازار این وسایل تا حد زیادی جای دولت را گرفته و زمینه تغییرات اجتماعی و فرهنگی را فراهم نموده‌اند.

راهکارها

برای پیشرفت و توسعه کشور در چارچوب توسعه پایدار راهکارهای زیر ارائه می‌گردد:

✓ افزایش بودجه و امکانات شهرهایی که از سطح زندگی پایین‌تری برخوردارند؛

✓ برای بهبود وضعیت کیفیت شاخص فرهنگی و اجتماعی در شهر تهران و دستیابی به توسعه پایدار شهری پیشنهاد می‌شود که در کوتاه مدت حضور پررنگ‌تر دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی و اجتماعی کشور در عرصه وسایل جدید ارتباط جمعی داشته باشند برای تولید هنجارهای اجتماعی متناسب با وضع موجود جامعه و فرهنگ ملی کشور؛

✓ افزایش حمایت‌های مالی و معنوی از بنیان خانواده و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی کشور؛

✓ اجرای سیاست‌های کاهش روند مهاجرت و تشویق مهاجرت معکوس به شهرهای مهاجرپذیر مانند تهران.

تفاوت اساسی بین دیدگاه‌های نسل‌های مختلف کشور و همچنین تفاوت میان دیدگاه‌های حکومت و بخش‌هایی از جامعه و در گذار بودن فرهنگ جامعه از مهم‌ترین دلایل این موضوع می‌باشد.

همچنین به نظر می‌رسد برای دستیابی به توسعه پایدار باید چشم‌اندازی مهم و جدید در مدیریت و سیاست‌گذاری عمومی کشور در عرصه فرهنگی و اجتماعی به وجود آید و تلاش شود تا به نحو روشن‌تری نتایج آینده رفتارهای کنونی فرهنگی و اجتماعی مورد توجه قرار گیرد تا بدین وسیله راهکارهای بهبود وضعیت فرهنگی و اجتماعی و دستیابی به الگوی فرهنگی و اجتماعی توسعه یافته و پایدار برای آینده شهرهای کشور مشخص گردد. عدم توجه به این امر نه تنها سبب ساز توسعه پایدار فرهنگی و اجتماعی نخواهد گردید بلکه در آینده استاندارد زندگی فرهنگی و اجتماعی در شهرهای کشور را بیش‌تر دست‌خوش تغییر قرار خواهد داد.

از دیگر مطالبی که در پژوهش مورد واکاوی قرار گرفت رابطه میان زمان استقرار دولت و شاخص کیفیت زندگی می‌باشد. نتایج حاصل شده نشان می‌دهد که در سال‌های قبل از ۱۳۷۵ استقرار دولت در یک شهر زمینه‌ساز تغییرات فرهنگی و اجتماعی می‌گردیده است. این تغییرات دارای جنبه مثبت و یا منفی

REFERENCES

1. Abdi, Abbas, Goudarzi, Mohsen, (1999), *Cultural developments in Iran*, Tehran, Ravesh Publications, Iran.
2. Abrahamzade, Jesus, Bazrafshan, Javad, (2007), Spatial Diffusion of Saffron Farming in Khorasan with Application of Hagerstrand Model, *Journal of Geography and Development*, No. 9: 57-76.
3. Arts and Cultural Department of Beautification Organization of Tehran. (2013), *Urban quality of life*, Tehran, Institute of city publication, Iran.
4. Coleman, J.S. (1988), Social capital in the creation of human capital, *American Journal of sociology*: 95-112.
5. Escape. (1998), *Measuring well-being material progress and quality of life*,
6. Conference council of social service of NSW, Sydney.
7. Farhoudi, Rahmat Allah. (2013), *How to calculate the techniques Morris*, PhD curriculum booklet.
8. Friedman, M. (2007), *Improving the quality of life: A holistic scientific strategy*, Westport, Praeger Publishers.
9. Ghaffari, Gholamreza, Omid, Reza, (2011), *Quality of Life Indicators of Social Development*, Tehran, Shraze Publication, No. II.
10. Haite. A.B. (2004), *natural resource growth poles and frontier urbanization in Latin America, studies in comparative development*: 50-57.
11. Higgins, James. (2009), *Creative problem solving techniques*, translation Ahmadpoor Dariani, Mahmoud, Amirkabir Publications.

12. Kelantari, Khalil, (2001), *Planning and Regional Development*, Tehran, Khoshbin Publications, Iran, No: I.
13. Korde Zangane, Jaffar, (2002), *Quality of life of the elderly and the factors affecting it*, Tehran University, a master's thesis in sociology.
14. Lee, Everett. (1989), *A theory of migration*, Translator Bijan Zare, Compiled by abdali lahasaei zade, First Edition, navid Publication, Shiraz.
15. Marans, R. W. (2003), *Modeling Residential Quality Using Subjective and Objective Indicators: Opportunities through Quality of Life Studies*, IAPS Methodologies in Housing Research Conference, Stockholm, Sweden.
16. Michalos, A.C. and associated. (2005), *Determinants of health and the quality of life in the Bella Coola Valley, Social Indicators Research*, In press.
17. Neumayer, Eric. (2001), Analysis the human development index and sustainability: A constructive proposal, *Journal of ecological economics*: 137-149.
18. Nussbaum, M. (2000), *Women and human development: The capabilities approach*, Cambridge, Cambridge university press.
19. Rahman, T., et al. (2003), *Measuring the quality of life across countries: A sensitivity analysis of well-being indices*, The paper presented at WIDER international conference on inequality, Poverty and human well-being, Helsinki, Finland.
20. Rahnamaei, M.T. (2009), Government and urbanization in Iran, "Fundamentals of the theory of city and urban development in Iran, *Journal of Geography and Regional Planning*: 143-167.
21. Requena, F. (2003), Social capital, Satisfaction and Quality of life in the workplace, *Journal social indicator research*: 331-360.
22. Saifuddini, Franak. (2007), *Urbanization and Urbanism*, Iran, Tehran, Aij Publication
23. Shaqueei, H. (2008), *new ideas in geography*, Tehran, Gytashnasy Publications, Volume I, Seventh Edition.
24. Shookner, M. (1997), The quality of life in Ontario, Ontario, Ontario Social Development Council.
25. Walker, A. Wigfield, A. (2003), *The social inclusion component of social quality*, Amsterdam, EFSQ.
26. Woolcock, M. Narayan, D. (1999) Social capital: Implications for development theory, Research and policy. *The world bank observer*, No. 15: 225-49
27. World Health Organization, (1995), The world health organization quality of life assessment: Position paper from the world health organization, *Society science & medicine*, No. 141: 1403-1409.
28. www. Sci. org.ir .